



جامعه‌شناسی علیه عدالتی

مفاهیم کلیدی در نظریه
جامعه‌شناختی پیر بوردیو

منوچهر ذوالفقاری

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و دبیر علوم اجتماعی نیاوند

چکیده

روابطش برای پیش‌برد موقعیت خود، از آن بهره ببرد. «منش» مفهومی دیگر شامل مجموعه‌ای از قابلیت‌هاست که فرد در گذر زمان، آن‌ها را درونی می‌کند و براساس آن‌ها برای کسب و ازدیاد سرمایه پا به میدان می‌گذارد.

بوردیو همچنین مفهوم «تمایز» را مطرح می‌کند و آن را عبارت از مجموعه تفاوت‌هایی می‌داند که در رفتارهای افراد، به دلیل جایگاه‌های متفاوتشان از لحاظ سرمایه و نحوه قرارگرفتنشان در میدان‌های مختلف، میان آن‌ها وجود دارد.

مفهوم آخر، «خشونت نمادین» است که از دیدگاه وی شامل هر گونه سلطه طبقاتی از طریق تحمیل فرهنگی، یعنی تحمیل ارزش‌های یک طبقه خاص به تمامی طبقات جامعه، در میدان‌های مختلف می‌شود. در نهایت بوردیو با طرح اندیشه و نظریه جامعه‌شناختی خود می‌خواهد هم جبرگرایی ناخودآگاهی را که بر تصاویر ذهنی ما سنگینی می‌کند، پوشش دهد و هم قدرت خلاقیت و نوآوری انسان را مورد تأکید قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: بوردیو، میدان، سرمایه، منش، تمایز، خشونت نمادین.

«پیر بوردیو»^۱ یکی از بزرگ‌ترین جامعه‌شناسان قرن بیستم است که درصدد برآمد نظریه جامعه‌شناختی جامع و نوینی را پی‌ریزی کند. وی در این مسیر با خلق برخی مفاهیم کلیدی مرتبط با هم، کوشید آن‌ها را با واقعیات تطبیق دهد و به شیوه‌ای دیالکتیکی از پارادوکس‌های موجود در جامعه‌شناسی، مانند عینیت‌گرایی / ذهنیت‌گرایی، ساخت / عامل، و خرد / کلان که به هم وابسته و در عین حال بسیار هم گمراه‌کننده‌اند، فراتر رود و به جایگزینی (آلترناتیوی) برای این مسائل آشتی‌ناپذیر دست یابد.

«میدان» کلیدی‌ترین مفهومی است که بوردیو برای پردازش اندیشه‌اش از آن استفاده می‌کند. وی معتقد است میدان‌ها فضاهای زندگی اجتماعی‌اند که بر محور روابط اجتماعی شکل گرفته‌اند. افراد در اجتماع در میدان‌های متفاوتی، مانند اقتصاد، سیاست، هنر، رسانه، ورزش و غیره فعالیت می‌کنند و توان و استعداد‌های خود را به نمایش می‌گذارند.

مفهوم دیگر «سرمایه» است. سرمایه به هر نوع قابلیت، مهارت و توانایی اطلاق می‌شود که فرد می‌تواند در میدان‌های مختلف به حفظ، کنترل، افزایش و یا حتی انحصار آن پردازد و در

مقدمه

بدون شک یکی از بزرگ‌ترین جامعه‌شناسان پسااخترگرای قرن بیستم «پیر بوردیو»ی فرانسوی است که تأثیر و نفوذ فکری قابل ملاحظه‌ای بر چهره‌های روشن‌فکر و دانشگاهی در حوزه‌های گوناگون علوم اجتماعی داشته است. گستره و عمق آثار وی و حتی آمار آن‌ها (بیش از ۳۰ کتاب و ۴۰۰ مقاله و سخنرانی) باعث شده است که این آثار از پرثمرترین مجموعه‌های نظری و پژوهشی دانش جامعه‌شناسی به حساب آیند. وی در زمینه‌های متفاوت زندگی اجتماعی و واقعیت‌های پیرامون خود به اظهارنظر پرداخته و حوزه‌های گوناگون اجتماعی را میدان آزمایش مفاهیم و اندیشه‌های خود قرار داده است.

بوردیو جامعه‌شناسی است که بر بسیاری از رشته‌های علمی دیگر، نظیر انسان‌شناسی، زبان‌شناسی، تاریخ، علوم سیاسی، فلسفه، دین‌شناسی، اقتصاد، هنر و ادبیات تأثیرگذار بوده، زیرا مرزهای علمی را نادیده گرفته و پژوهش‌های متنوعی در زمینه‌هایی نظیر طبقات اجتماعی، دین و مذهب، سیاست، ورزش، هنر، ادبیات، نظام خویشاوندی، روشن‌فکران، روستاییان، دولت و غیره انجام داده است. وی در پژوهش‌های خود از «روش تلفیقی» استفاده کرده و با نگاه میان‌رشته‌ای به حوزه‌های متفاوت دانش، از تاریخ و فلسفه و ادبیات گرفته تا جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی و علوم سیاسی، همه را مورد توجه قرار داده است.

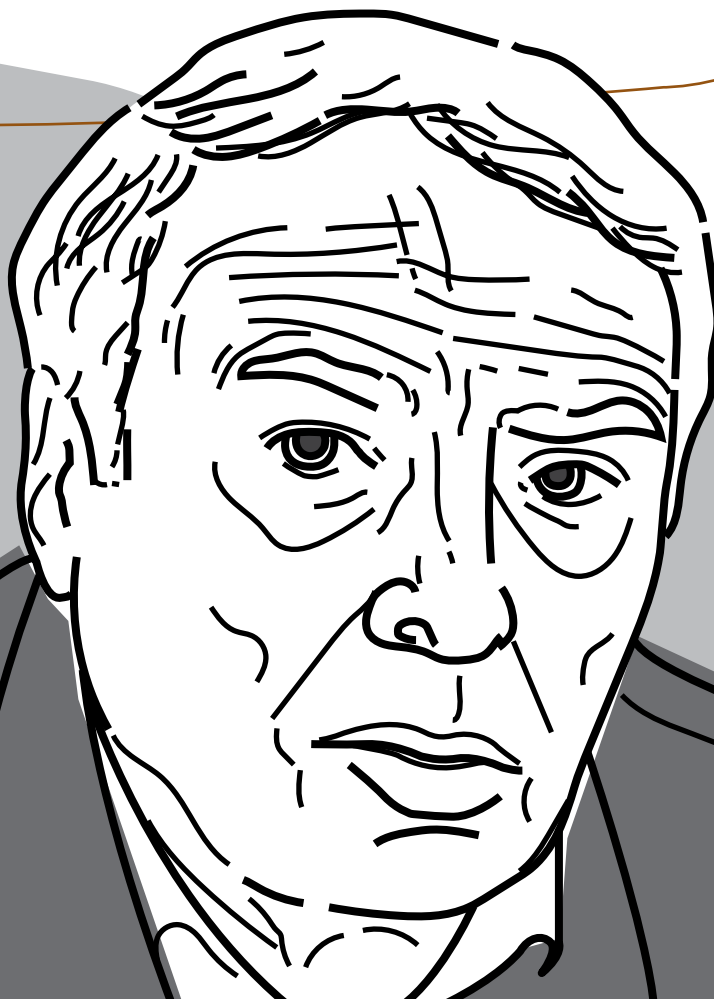
بوردیو به فعالیت‌های سیاسی علاقه وافری داشت و به

دانش جامعه‌شناسی همچون سلاحی می‌نگریست که از آن می‌توان علیه بی‌عدالتی اجتماعی استفاده کرد. وی معتقد بود که جامعه‌شناسی می‌تواند در مقابل تحمیل مقوله‌های فکری منحرف ایستادگی کند و از هژمونی نظام‌های نمادین طبقات مسلط بر سایر گروه‌ها و طبقات جامعه جلوگیری به عمل آورد.

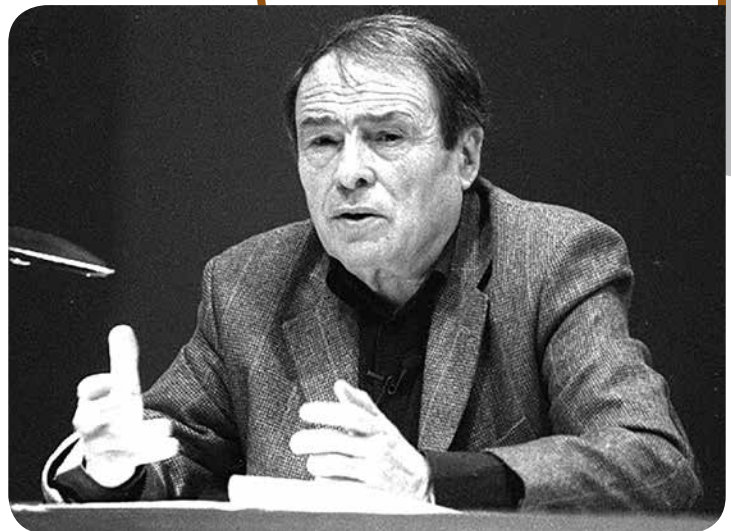
اندیشه جامعه‌شناختی بوردیو

پیر بوردیو (۲۰۰۲ - ۱۹۳۰) در «برن»، یکی از ایالات جنوبی فرانسه به دنیا آمد. او در «اکول نورمال سوپریور» تحصیل کرد. در سال ۱۹۸۲ در «کلژ دو فرانس» برای تدریس در کرسی جامعه‌شناسی برگزیده شد. او جامعه‌شناس و نویسنده‌ای چالش‌برانگیز و درخشان بود [سیدمن، ۱۳۹۱: ۱۹۵]. بوردیو در صدد برآمد به شیوه‌ای دیالکتیکی از پارادوکس‌های موجود در جامعه‌شناسی، مانند عینیت‌گرایی/ذهنیت‌گرایی، ساخت/عامل، خرد/کلان، جدایی پژوهش تجربی و نظری و جدایی تحلیل نمادین و مادی، که بسیار به هم مرتبط و به طرز تفکیک‌ناپذیری به هم گره خورده‌اند و در عین حال بسیار هم گمراه‌کننده‌اند، پا را فراتر بگذارد و به جایگزینی (آلترناتیوی) برای این مسائل به ظاهر منفی و آشتی‌ناپذیر دست یابد. به اعتقاد وی این تقسیم‌بندی‌ها آکنده از کشمکش است و به تکه‌تکه شدن جامعه‌شناسی و ایجاد شکاف میان جامعه‌شناسان و دیگر اندیشمندان اجتماعی منجر شده است. برای جامعه‌شناس توجه به هر دو روی قضیه لازم است. او به دنبال

بوردیو تلقی جامعه به منزله مجموعه‌ای از افراد یا واحدهای ارگانیک یا نظام‌های اجتماعی را رد می‌کند. در عوض از حوزه‌ها یا میدان‌های اجتماعی سخن می‌گوید. یک میدان، نوعی قلمرو زندگی اجتماعی است که قواعد سازمانی خاص خود را دارد



مجموعه تفاوت‌هایی که در رفتارها و سبک‌های زندگی افراد جامعه به دلیل جایگاه‌های متفاوتشان از لحاظ سرمایه و قرار گرفتنشان در میدان‌های اجتماعی مختلف، میان آن‌ها وجود دارد، «تمایز» نامیده می‌شود. از نظر بوردیو، افراد بر اساس موقعیت اجتماعی‌شان، اعمال سلیقه می‌کنند و هر طبقه سعی می‌کند خود را از سایر طبقات متمایز کند



کنش را هدایت و مهار می‌کنند. اما ساختارها در عین حال «ساختمند» هم هستند، به این معنی که کنشگران آن‌ها را تولید و بازتولید می‌کنند. بنابراین بوردیو بر دیالکتیک ساختار و کنش تأکید می‌کند. [جلایی پور و محمدی، ۱۳۸۷: ۳۱۷ - ۳۱۶] به عبارت دیگر، نقطه عزیمت تحلیل اجتماعی بوردیو ساختار اجتماعی است. وی معتقد است که انسان‌ها همواره به لحاظ ساختاری در فضای اجتماعی چندبعدی جای گرفته‌اند که عمدتاً بر مبنای موقعیت طبقه اجتماعی‌شان تعریف شده است. طبقه اجتماعی به دسترسی فرد به منابع گوناگون، پیوندهای اجتماعی و فرصت‌های مرتبط با شغل و نیز سن، جنسیت، وضعیت تحصیلات و مانند آن اشاره دارد. علاوه بر این، پنداشت او از عاملیت قابل تقلیل به تلقی انسان به منزله کنشگر یا عامل تعریف‌کننده خود، یا کنشگر محاسبه‌گر عقلانی یا کنشگر تابع قاعده نیست. وی کنش فرد را شهودی، «استراتژی‌کننده» و ابتکاری توصیف می‌کند [سیدمن، ۱۳۹۱: ۱۹۷].

بوردیو تلقی جامعه به منزله مجموعه‌ای از افراد یا واحدهای ارگانیک یا نظام‌های اجتماعی را رد می‌کند. در عوض از حوزه‌ها یا میدان‌های اجتماعی سخن می‌گوید. یک میدان، نوعی قلمرو زندگی اجتماعی است که قواعد سازمانی خاص خود را دارد. مجموعه‌ای از موقعیت‌ها را فراهم می‌کند و حامی کنش‌های مرتبط با آن موقعیت‌هاست. میدان‌ها، از قبیل دانشگاه، عرصه‌های اقتصادی، ورزش و مدرسه، قابل تقلیل به یکدیگر یا به سیستم منطقی بزرگ‌تری مانند سرمایه‌داری نیستند، بلکه از افرادی که به نحوی عینی در مجموعه‌ای از روابط اجتماعی قرار گرفته‌اند، تشکیل شده‌اند که منابع گوناگونی (انواع متفاوت سرمایه) دارند و برای کسب پرستیژ، ثروت و قدرت تلاش می‌کنند. از دیدگاه بوردیو، هر میدانی به نوع خاصی از سرمایه یا منابع اهمیت می‌دهد. برای مثال، سرمایه فرهنگی یا دانش و صلاحیت در حوزه آکادمیک بیش از اقتصاد ارزشمند تلقی می‌شود و عاملی کلیدی در تلاش برای کسب برتری به حساب می‌آید [همان، ص ۱۹۸]. مشارکت‌کنندگان در یک میدان اجتماعی، همانند بازیگران یک بازی، در موقعیت‌های متفاوتی قرار می‌گیرند. البته از دیدگاه بوردیو، کنش‌های موجود در یک میدان صرفاً بازتاب مکانیکی موقعیت‌های تثبیت‌شده نیستند، بلکه محصول انواع طرح‌های متضاد موضع‌گیری هستند.

به طور خلاصه می‌توان گفت: در نظام نظری و جامعه‌شناسی بوردیو، واقعیت جهان اجتماعی بر افراد و گروه‌ها استوار نیست، بلکه بر ارتباط بین آن‌ها استوار است. این ارتباطات به صورت ساخت‌های نامرئی درمی‌آیند، ظاهر و جهان اشیای اجتماعی را به یکدیگر مربوط می‌سازند، و در فضای اجتماعی میدان‌های مختلف و متنوع نسبتاً خودمختاری، مانند میدان فرهنگی، اقتصادی، هنری، سیاسی و غیره را به وجود می‌آورند. افراد با

یافتن نظریه‌ای بود که از یک طرف انسان‌ها را به محصولات صرف ساختارهای اجتماعی تبدیل نکند و از طرف دیگر، جایگاه ساختارهای اجتماعی را در اعمال فشار بر افراد نادیده نگیرد. بوردیو تأکید می‌کند که جامعه‌شناسی باید در مطالعه حیات اجتماعی، نه تنها به ساختار بلکه به کنش‌های فرد و معانی میان‌ذهنی نیز بپردازد. وی معتقد است که جامعه‌شناسان باید قادر باشند زمینه اجتماعی کنش‌های فردی را شرح دهند. بوردیو از نوعی علوم اجتماعی دفاع می‌کند که مبنای کار آن مطالعه کنش‌های کنشگرانی است که همواره دارای دانش عملی در باره جهان پیرامون خود هستند، اگرچه نتوانند چنین دانشی را بیان کنند. به عبارت دیگر هر یک از ما به این دلیل قادریم ساختار اجتماعی را درونی کنیم که با استفاده از تجربه کنش‌های قبلی نوعی مهارت عملی کسب کرده‌ایم و در نتیجه آن می‌دانیم که چگونه ضمن توجه به الزامات عینی موجود، کارهایمان را انجام دهیم.

حاصل کوشش بوردیو نوعی «ساختارگرایی تکوینی» یا نوعی جامعه‌شناسی است که از بنیان‌های فکری تحلیل ساختاری استفاده می‌کند. اما ساختارها را به مثابه چیزهایی در نظر می‌گیرد که به واسطه کنش، تولید و بازتولید می‌شوند. بر این اساس، ساختارها «ساختاردهنده» هستند، یعنی

منش یا عادت‌واره‌های خاص وارد این میدان‌ها می‌شوند و برای تصاحب سرمایه‌های موجود با هم به رقابت می‌پردازند. بورديو با طرح این نظریه در تلاش است به گفته خودش تعارض میان فرد و جامعه یا تعارض میان عینیت و ذهنیت را از میان بردارد و موضعی اتخاذ کند که در عین ساختارگرا بودن، عوامل انسانی را نیز در نظر داشته باشد. وی به رابطه دیالکتیکی میان ساختارهای عینی و پدیده‌های ذهنی توجه می‌دهد و برای دوری جستن از تعارض میان آن‌ها، بر عملکرد یا کارکرد تأکید می‌کند که به نظر او پیامد رابطه دیالکتیکی میان ساختار و عاملیت است.

مفاهیم کلیدی بورديو

بورديو در تشریح اندیشه جامعه‌شناختی خود، از چند مفهوم کلیدی استفاده می‌کند که خواننده آثار وی بدون فهم معانی آن‌ها نمی‌تواند به کند و کاو در نظریه‌اش بپردازد. مهم‌ترین این مفاهیم عبارت‌اند از:

الف. میدان^۲ «زمینه، عرصه یا حوزه»

بورديو معتقد است که نمی‌توان کنش‌های اجتماعی را در قالب مفاهیمی چون طبقه، روابط طبقاتی و ایدئولوژی تحلیل کرد. بنابراین وی برای این کار از واژه «میدان» استفاده می‌کند. میدان مهم‌ترین مفهومی است که بورديو برای پردازش اندیشه‌اش از آن استفاده می‌کند. او با طرح این مفهوم بعد استعاری اندیشه خود را نشان می‌دهد و طرحی از الگوهای پنهان روابط و منازعاتی را ارائه می‌دهد که به وجود افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادها شکل می‌دهند.

از نظر بورديو، میدان جزئی از جهان اجتماعی است که به طور مستقل عمل می‌کند و در هر جامعه‌ای تعداد بی‌شماری میدان نظیر میدان دانشگاهی، میدان هنری، میدان صنعت و تجارت، میدان رسانه‌ها، میدان حکومت و غیره وجود دارند. وی معتقد است که میدان‌ها فضاهای زندگی اجتماعی‌اند که به تدریج از یکدیگر مستقل شده‌اند و در فرایند تاریخی بر محور روابط اجتماعی و نتایج ویژه شکل پیدا کرده‌اند. افراد در اجتماع در میدان‌های متفاوتی فعالیت می‌کنند و توان و استعداد‌های خود را به نمایش می‌گذارند [توسلی، ۱۳۸۳: ۲۳].

میدان در وهله اول فضای ساختمان‌داری از جایگاه‌هاست. قدرتی است که تصمیمات مشخص خود را بر کسانی که وارد آن می‌شوند، تحمیل می‌کند. از این رو، هر کسی که می‌خواهد وارد میدان شود، باید دارای حداقلی از سرمایه باشد. در وهله دوم، میدان صحنه کشاکشی است که کنشگران یا نهادها از طریق آن در پی حفظ یا براندازی نظام موجود توزیع سرمایه هستند. میدان در این معنا کارزاری است که در آن شالوده‌های هویت و نظام سلسله‌مراتبی پیوسته مورد بحث و جدل قرار می‌گیرد. نتیجه آن که میدان‌ها مجموعه‌های تاریخی هستند

که در طول زمان به وجود می‌آیند، رشد می‌کنند، تغییر شکل می‌دهند و گاهی تضعیف می‌شوند و از بین می‌روند [استونز، ۱۳۷۹: ۳۳۵]. منازعات دائمی در میدان‌ها که خود بسستر آن‌ها هستند، جریان دارند، هم به خاطر رقابتی که خود به خود بین افراد درگیر در بازی صورت می‌گیرد، هم به خاطر خود ساختار میدان، یعنی ساختار توزیع نابرابر انواع مختلف سرمایه، که با کمیاب ساختن بعضی مواضع و بهره‌برداری‌های مربوط به آن، راهبردهایی را فراهم می‌آورد که امکان می‌دهند افراد با تصاحب مواضع کمیاب در پی تخریب این کمیابی برآیند، یا با دفاع از این مواضع، کمیابی را حفظ کنند [شوپره و فونتن، ۱۳۸۵: ۱۴۲].

منازه در میدان موجب می‌شود عده‌ای در موقعیت مسلط (طرفداران حفظ نظم موجود و ثبات و نظم میدان) و عده‌ای در موقعیت فرودست (هواخواهان بر هم زدن نظم موجود و تغییر در میدان به نفع خود) قرار گیرند و این دو دسته برای تولید، کنترل، توزیع و حتی انحصار سرمایه، با هم‌دیگر وارد تقابل و مبارزه شوند.

بورديو برای خروج میدان از یک مفهوم صرفاً انتزاعی و ملموس و تجربه‌پذیر کردن آن، چارچوب یک میدان را به مثابه یک بازار توصیف می‌کند. زیرا صحبت در مورد بازار و توضیح سازوکار آن آسان‌تر از میدان است. هر بازار از سه عنصر اصلی تشکیل می‌شود: ۱. طرف عرضه یا تولیدکنندگان؛ ۲. کالاهای نمادین یا خود محصولات؛ ۳. طرف تقاضا یا مصرف‌کنندگان کالا یا کالای نمادین [سوارتز، ۱۳۸۱: ۴۳].

واضح است که با استفاده از مفهوم بازار می‌توان میدان را به بیانی ساده‌تر این‌گونه تعریف کرد: میدان‌ها، بازارهایی برای سرمایه‌های خاص هستند که در آن‌ها عاملان اجتماعی بنا بر استعدادهای خاص خود در انواع سرمایه‌ها، سرمایه‌گذاری می‌کنند و وارد رقابت و عمل می‌شوند [شوپره و فونتن، ۱۳۸۵: ۱۳۷]. در واقع آنچه باعث شکل‌گیری میدان می‌شود و میدان به دنبال دستیابی به آن است، هدفی روشن و بنیادی است: تولید، حفظ و بازتولید سرمایه.

ب. سرمایه^۳

در آثار بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی (از جمله کارل مارکس که کتابی سه‌جلدی هم به نام «سرمایه» دارد)، سرمایه مفهومی اقتصادی دارد. اما بورديو این مفهوم را آگاهانه علاوه بر مقوله اقتصادی، به مقوله‌های اجتماعی، فرهنگی و حتی نمادین گسترش می‌دهد. وی با بسط مفهوم سرمایه، حوزه‌های نفوذ متنوعی را برای آن در نظر می‌گیرد، زیرا سرمایه امکان تغییر شکل و کارکرد از وجوه صرفاً اقتصادی به شکل‌های فرهنگی و اجتماعی را در میدان‌های مختلف داراست. افراد با سطوح متفاوت سرمایه در میدان حاضر می‌شوند و با تولید محصولات واقعی و نمادین به مبارزه و رقابت با یکدیگر برای کسب سرمایه

بیشتر می‌پردازند. با این شرایط، افراد و گروه‌هایی که توانایی تبدیل وجوه مادی سرمایه را به حالت نمادین و بهره‌گیری از سرمایه به شکل معناها و نمادها را دارند، به موقعیت بهتر و بالاتری در میدان دست می‌یابند.

سرمایه از نظر بورديو به هر نوع قابلیت، مهارت و توانایی اطلاق می‌شود که فرد می‌تواند در جامعه به صورت انتسابی یا اکتسابی به آن دست یابد و از آن در روابطش با سایر افراد و گروه‌ها برای پیشبرد موقعیت خود بهره‌برد [فکوهی، ۱۳۸۴: ۱۴۵]. از این منظر تفاوتی ندارد که حرف از پول باشد یا شکل‌های متفاوت رفتار. سرمایه به دست کنشگران تولید می‌شود، می‌تواند به طور انحصاری انباشته شود و مورد مبادله واقع شود یا به ارث برسد [جنکینز، ۱۳۸۴: ۱۰۱].

بورديو سرمایه را به چهار نوع به شرح زیر تقسیم می‌کند:

۱. **سرمایه اقتصادی:** شامل عوامل مؤثر در تولید است؛ مانند زمین، نیروی کار، سرمایه مالی، درآمد، کالاهای اقتصادی و غیره.

۲. **سرمایه فرهنگی:** شامل مجموعه کیفیات فکری تولیدشده توسط خانواده، مدرسه و سایر گروه‌ها و نهادهای رسمی و غیررسمی است و معمولاً به سه صورت دیده می‌شود:

- به صورت امکانات پردوام، مانند توانایی سخن گفتن در مقابل جمع به آسانی.
- به صورت عینی، مانند قابلیت تولید کالاهای فرهنگی، همچون تابلوها، آثار هنری و غیره.
- به صورت نهادی، یعنی آنچه توسط نهادها ضمانت اجرایی می‌یابد؛ مانند عنوان‌ها، مدرک‌های تحصیلی و غیره.

۳. **سرمایه اجتماعی:** معمولاً این نوع سرمایه به روابط و فعالیت‌های اجتماعی افراد با دیگران بستگی دارد؛ مانند دعوت‌های متقابل در مهمانی‌ها، عضویت در یک باشگاه و یا گروه خاص، و غیره.

۴. **سرمایه نمادین:** هر گونه دارایی که دیگران آن را درک کنند و به رسمیت بشناسند و برای آن ارزش قائل شوند، سرمایه نمادین به حساب می‌آید؛ مانند اتیکت نام خانوادگی و غیره. سرمایه نمادین از جایگاه اجتماعی فرد سرچشمه می‌گیرد و مجموعه ابزارهای نمادینی مانند احترام، شکوه، عزت و پرستیژ را برای وی به ارمغان می‌آورد.

با توجه به انواع سرمایه‌های قید شده، کنشگران نیز در میدان‌های مختلف در سه بعد توزیع می‌شوند: در بعد نخست بر اساس جمع کل سرمایه‌ای که در اختیار دارند؛ یعنی ترکیبی از انواع سرمایه تحت اختیارشان. در بعد دوم تعیین جایگاه‌شان بر اساس ساختار سرمایه‌شان؛ یعنی سهمشان از انواع سرمایه به صورت جداگانه. و در بعد سوم بر پایه برآورد جمع کل و ساختار سرمایه آن‌ها در طول زمان [پات نام، ۱۳۸۴: ۱۱۵]. البته انواع متفاوت سرمایه قابل تبدیل به یکدیگر و همچنین قابل مبادله‌اند. مثلاً فردی که سرمایه فرهنگی دارد، می‌تواند آن را به سرمایه اجتماعی یا اقتصادی تبدیل کند؛ مانند تحصیل برای دست آوردن اعتبار به جای

تحصیل برای دستیابی به شغل [ریترز، ۱۳۷۴: ۷۲۴]. در واقع ساختار ذهنی هر فرد و جایگاهش در میدان‌های متفاوت به میزان بهره‌مندی‌اش از انواع سرمایه بستگی دارد.

بورديو معتقد است: شکل‌های گوناگون سرمایه شانس برنده شدن در هر بازی را تعیین می‌کنند. گروه‌هایی که به بیشترین میزان سرمایه دسترسی دارند، در کانون اصلی رقابت و مبارزه، یعنی میدان قدرت قرار می‌گیرند. البته میدان قدرت از یک طبقه حاکم متحد تشکیل نشده، بلکه از قشرهای ناهمگون نخبگانی تشکیل شده که جایگاهشان براساس شکل‌های مختلف سرمایه شکل گرفته است. گاه گروه‌های حاضر در میدان قدرت، در جایگاه مخالف و اپوزیسیون یکدیگر قرار می‌گیرند و بر سر تثبیت ارزش شکل‌های مشخص سرمایه به مبارزه می‌پردازند [پات نام، ۱۳۸۴: ۸۲].

ج. منش عادت‌واره

منش مجموعه‌ای از قابلیت‌هاست که فرد در طول زندگی خود، آن‌ها را درونی و به طبیعت ثانویه خویش تبدیل می‌کند؛ به نحوی که بدون آنکه لزوماً آگاه باشد، بر اساس آن‌ها عمل می‌کند. منش به معنای درونی کردن ساختارهای بیرونی و بازتولید آن‌هاست. به عبارت دیگر، منش ذهنیت اجتماعی شده و درونی شده است. بورديو با طرح این مفهوم درصدد است که میان عین و ذهن ارتباط برقرار سازد و نشان دهد که منش هدایتگر رفتار فرد در فضای اجتماعی است.

منش نتیجه یادگیری‌ای است که به صورت ناخودآگاه درآمده و به شکل استعداد در فرد جلوه می‌کند. برای مثال، موسیقی‌دان نمی‌تواند بی‌مقدمه و بدون تمرین و آموختن قواعد موسیقی، آهنگ بنوازد. در تمامی حرفه‌ها این قاعده حاکم است [دورتیه، ۱۳۸۱: ۲۲۹]. بورديو می‌گوید: «منش تولیدکننده کنش‌هاست، در حالی که خود محصولی تاریخی و اجتماعی است؛ ولی نه به معنای کاملاً جبری آن. منش به طور غیرمکانیکی به رفتارهای عیناً مطابق با منطق میدان اجتماعی مربوط، شکل می‌دهد. این رفتارها جواز خود را از این منطق می‌گیرند و بنابراین با توجه به همین منطق محدود می‌شوند. عاملان به دلیل همین منش‌هایی که دارند، به خودی خود انتخاب‌های خود را محدود می‌کنند، بی‌آنکه نیازی به محاسبه‌ای برای این کار داشته باشند.

در واقع کنشگر از طریق منش به ادراک و داوری می‌پردازد و در جهان پیرامون خود عمل می‌کند. منش، شرایط اجتماعی، امکانات و محدودیت‌ها را در شخص درونی می‌کند و رفتار فرد در اجتماع را شکل می‌بخشد، و لذا «ساخت‌دهنده» است. و از سوی دیگر، میانجی بین تجربه‌های گذشته و محرک‌های کنونی است و لذا ساخت‌دهنده نیز هست [استونز، ۱۳۷۹: ۳۳۴]. به این ترتیب بورديو ساختارهای اجتماعی عینی را در تجربه ذهنی کنشگران تئوریزه می‌کند. جذب این ساختارها در

نتیجه‌گیری

با وجود پراکندگی حاکم بر اندیشه و آزادی بورديو، می‌توان استنباط کرد که وی در نظریه جامعه‌شناختی خود درصدد اثبات این مطلب است که جامعه قبل از هر چیز یک نظام سلطه است که سازوکارهایی را به کار می‌گیرد تا بتواند خود را بازتولید کند. بورديو در این مسیر مفاهیمی کلیدی را خلق می‌کند و سپس درصدد تطابق آن‌ها با واقعیات، در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی برمی‌آید. کلیدی‌ترین این مفاهیم، مفهوم میدان است که مفاهیم دیگری مانند منش، تمایز، سرمایه و همچنین قدرت و خشونت نمادین را در برمی‌گیرد. وی عرصه اجتماع را به میدانی تشبیه می‌کند که نیروهای مختلف اجتماعی، هر کدام با منش‌ها و سرمایه‌های متفاوت (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نمادین) در آن وارد می‌شوند و با یکدیگر برای دستیابی به بیشترین امتیازات مادی و غیرمادی به رقابت و مبارزه واقعی و نمادین می‌پردازند.

ذهن کنشگر باعث می‌شود که وی مطابق همان ساختارها در میدان‌های مختلف عمل کند و در نتیجه رابطه‌ای دو سویه و دیالکتیکی بین عین و ذهن شکل بگیرد.

د. تمایز

مجموعه تفاوت‌هایی که در رفتارها و سبک‌های زندگی افراد جامعه به دلیل جایگاه‌های متفاوتشان از لحاظ سرمایه و قرار گرفتنشان در میدان‌های اجتماعی مختلف، میان آن‌ها وجود دارد، «تمایز» نامیده می‌شود. از نظر بورديو، افراد بر اساس موقعیت اجتماعی‌شان، اعمال سلیقه می‌کنند و هر طبقه سعی می‌کند خود را از سایر طبقات متمایز کند. وی در اثر معروف خود (تمایز) نشان می‌دهد که چگونه می‌توان میان حوزه‌هایی چون ورزش، غذا، لباس، سلیقه‌های هنری، موسیقی، عکاسی، ادبیات و غیره از یک سو، و وضعیت اجتماعی افراد از سوی دیگر، ارتباط منطقی برقرار کرد. برای مثال، در فرانسه در میدان قدرت سرگرمی مورد علاقه یک طیف سیاسی، اسکی روی آب، تنیس، اسب‌سواری، شطرنج، گلف و نواختن یا گوش سپردن به پیانو است. در حالی که سرگرمی طیف مقابل، فوتبال، ماهی‌گیری، نواختن و یا شنیدن دیگر انواع موسیقی و غیره است [فکوهی، ۱۳۸۴: ۱۴۶].

ه. خشونت نمادین

از دیدگاه بورديو، خشونت نمادین صدمه و آسیبی است که در نتیجه دسته‌بندی‌ها و برچسب‌های اجتماعی به افراد وارد می‌شود. وی با مطالعه فرهنگ، آن را در کانون مطالعاتش قرار می‌دهد تا به این وسیله پوشش‌های سلطه اجتماعی را تحلیل کند. منظور بورديو از «فرهنگ» عبارت است از نمادها، معانی و کالاهای فرهنگی (از موسیقی و ادبیات گرفته تا غذا و اثاث خانه) که همواره مهر طبقه اجتماعی را بر پیشانی دارد. فرهنگ، سلطه طبقاتی را تا جایی بازتولید می‌کند که طبقات مسلط بتوانند ارزش‌های فرهنگی، معیارها و ذائقه خود را بر کل جامعه تحمیل کنند یا دست کم ترجیحات فرهنگی‌شان را به منزله برترین، بهترین و مشروع‌ترین سبک زندگی تثبیت کنند. در واقع سلطه طبقاتی زمانی محقق می‌شود که سبک‌های زندگی، ذائقه‌ها و آداب اجتماعی طبقات مسلط مشروع و غالب شود. بورديو این‌گونه سلطه طبقاتی از طریق تحمیل فرهنگی را نوعی خشونت نمادین می‌خواند؛ خشونتی مبتنی بر تحمیل ارزش‌های یک طبقه خاص بر تمامی طبقات جامعه [سیدمن، ۱۳۹۱: ۲۰۳-۱۹۹]. در این حالت، طبقه مسلط و طبقات تحت سلطه، هر دو ممکن است به صورت ناخودآگاه نظام سلطه را چنان درونی کنند که به صورت خودکار در رفتارهای روزمره، در انتخاب‌ها و در تمام ابعاد زندگی‌شان آن را دائما تولید و بازتولید کنند [فکوهی، ۱۳۸۴: ۱۴۶].

پی‌نوشت‌ها

1. Pierre Bourdieu
2. Champs
3. Capital
4. Habitus
5. Distinction
6. Violence Symbolique

منابع

۱. استونز، راب، (۱۳۷۹). متفکران بزرگ جامعه‌شناسی. مهرداد میردامادی. نشر مرکز، تهران.
۲. پات نام، رابرت، (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی: اعتماد دموکراسی و توسعه. افشین خاکباز و حسن پویان. نشر شیرازه، تهران.
۳. توسلی غلامعباس، (۱۳۸۳). «تحلیلی از اندیشه بورديو». نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۳.
۴. جلایی‌پور، حمیدرضا و محمدی، جمال، (۱۳۸۷). نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی، نشر نی، تهران.
۵. جنکینز، ریچارد، (۱۳۸۴). پیر بورديو، ترجمه لیلیا جو افشانی و حسن چاوشیان، نشر نی، تهران.
۶. دورتیه ژان، فرانسوا، (۱۳۸۱). «پیر بورديو: انسان‌شناس، جامعه‌شناس»، ترجمه مرتضی کتبی. نامه انسان‌شناسی، شماره ۱.
۷. ریتزر، جرج، (۱۳۷۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران.
۸. سوارتز، دیوید، (۱۳۸۱). «اقتصاد سیاسی، قدرت نمادین»، ترجمه شفیعه صالحی، فصل‌نامه اقتصاد سیاسی، شماره ۳.
۹. سیدمن، استیون، (۱۳۹۱). کشاکش آرا در جامعه‌شناسی، ترجمه هادی جلیلی، نشر نی، تهران.
۱۰. شویره، کریستین و فونتن، اولویه، (۱۳۸۵). واژگان بورديو، ترجمه مرتضی کتبی، نشر نی، تهران.
۱۱. فکوهی، ناصر، (۱۳۸۴). تاریخ نظریه‌های انسان‌شناسی، نشر نی، تهران.